

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: مناف فلکی فر

۱۷ جنوری ۲۰۲۴

صفحه ۲

شماره ۲۹۲

پیام فدایی

"جایزه صلح نوبل". جایزه ای برای دمیدن در جنازه اصلاحات!



در ۹ دسامبر امسال در جریان یکی از فاخرترین و پرهزینه‌ترین مراسم اعطای جایزه، با حضور خانواده سلطنتی نروژ و "ادای احترام" آنها به نرگس محمدی، جایزه صلح نوبل به این فرد که در رسانه‌های اصلی از او به عنوان یک "فعال سیاسی زن و حقوق بشر" در ایران نام برده می‌شود و در حقیقت یکی از چهره‌های برجسته اصلاح‌طلبان موسوم به "غیر حکومتی" در داخل است، اعطا شد.

نام نرگس محمدی در میان طیف مخالفین درونی نظام که به نام اصلاح‌طلبان و یا پس از رسوایی و شکست این پروژه اصلاح‌طلبان غیر حکومتی شناخته می‌شود، یک نام آشناست. وی با فعالیت در ستاد محمد خاتمی، یکی از فریبکارترین کارگزاران رژیم، در انتخابات ۱۳۷۶ و ۱۳۷۸ (مجلس) فعالانه مشارکت کرد.

بی بی سی در معرفی او می‌نویسد که وی "در طول سه دهه مبارزه سیاسی‌اش بارها بیانیه‌هایی را امضا کرده است". البته کنکاش در "بیانیه‌ها"ی مورد استناد بی بی سی نشان می‌دهد که نرگس محمدی و سایر هم‌قطارانش مانند نسرین ستوده و ابوالفضل قدیانی به طور مثال جزو ۱۵ "فعال سیاسی و مدنی"ی بودند که در بهمن ۹۶، یک ماه پس از آغاز یکی از خونین‌ترین و رادیکال‌ترین جنبش‌های سراسری در تاریخ حکومت سیاه جمهوری اسلامی و توده‌ای شدن شعار "اصلاح‌طلب، اصول‌گرا دیگه تمومه ماجرا" دست به کار شده و طی بیانیه‌ای خواستار برگزاری "همپرسی تحت

نظارت سازمان ملل، یعنی سیاستی گشتند که همواره از سوی برخی قدرت‌های امپریالیستی سلطه‌گر در ایران به عنوان بدیلی در تقابل با جنبش‌های انقلابی مردمی بر آن تاکید شده است.

در آن مقطع، نرگس محمدی و بقیه امضاکنندگان «بیانیه» با مشاهده حمام خونی که جمهوری اسلامی در خیابان‌ها به راه انداخته بود، رنگ عوض کرده و در بیانیه خود با ادعای «اصلاح‌ناپذیر» بودن این حکومت خواستار «گذار مسالمت‌آمیز» از نظام جمهوری اسلامی به یک «دموکراسی سکولار پارلمانی» گشتند. این تنها یکی از نمونه‌های مواضع این فرد در مقاطع بحرانی جامعه ما می‌باشد. در تمام این مقاطع نرگس محمدی نشان داده که مواضع او با هر لحنی که بوده نهایتاً از چارچوب حفظ نظام سرمایه‌داری استثمارگر حاکم بر ایران فراتر نرفته است و از این نظر مواضع وی مانند بسیاری دیگر از روشنفکران متعلق به طبقه حاکم مانعی در مقابل انقلاب مورد نظر توده‌های ستمدیده است. در این حال به علت طبیعت دیکتاتوری حاکم بر ایران و ماهیت ضد مردمی و سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی تیغ این دیکتاتوری که تحمل کمترین ندای مخالف حتی از سوی بخش‌های غیر مسلط طبقه حاکم را ندارد، گاه و بی‌گاه دامن نرگس محمدی را نیز گرفته و او در سال‌های مختلفی مجبور به تحمل زندان‌های این رژیم جبار بوده است. اگر چه وی جزو بخشی از قشر خاصی از زندانیان می‌باشد که اجازه دارند گاه و بی‌گاه به پخش «بیانیه‌ها»ی تند ضد حکومتی هم بپردازند. مثلاً ایشان از پشت میله‌های زندان می‌توانستند با «آنجلینا جولی» ستاره سابق هالیوود و یکی از سفیر «حقوق بشر» و «دموکراسی» قدرت‌های امپریالیستی علیه جمهوری اسلامی و وضعی که برای زنان و مردم ایران به وجود آورده مصاحبه کند و با احساس پشتیبانی از آنها «شجاعانه» موضع بگیرد.

در جریان جایزه صلح نوبل امسال به علت زندانی بودن نرگس محمدی، همسر و فرزندان او این جایزه را در معیت مشتکی از «سلبریتی»‌ها و به اصطلاح «چهره‌ها»ی اپوزیسیون ایرانی نظیر «شیرین عبادی، مهرانگیز کار، نازنین بنیادی، عبدالله مهدی، گلشیفته فراهانی، مژگان شجریان و برخی چهره‌های در سایه، نظیر پیام اخوان که با وجود هر اختلافی، تمامی‌شان دارای یک سابقه مشترک مشخص در هواداری از پروژه‌ها و سیاست‌های پرو امپریالیستی و یا ماهیتاً «اصلاح‌طلبانه» هستند، تحویل گرفتند. در عوض پیام او از زندان در این مراسم قرائت گردید. صحبت‌ها و مصاحبه‌های تقی رحمانی، همسر نرگس محمدی که پیشتر عضو «شورای فعالان ملی-مذهبی و از مشاوران مهدی کروبی» بود، چه در قبل و چه در جریان و پس از اعطای جایزه به نمایندگی از همسرش از جمله حاوی این مواضع بود که این «جایزه»ایست به میرحسین موسوی، زهرا رهنورد، فایزه هاشمی. او همچنین در نقد «زیادخواه بودن اپوزیسیون» (برانداز) سخن گفت و خارج شدن ترامپ از برجام را نقد کرد. نرگس محمدی در بیانیه خود ضمن قدردانی از کمیته نوبل این جایزه را «حمایتی معنادار از جنبش زن، زندگی، آزادی» خواند؛ و تاکید نمود که جنبش «زن، زندگی، آزادی» «اساساً مبتنی بر خواست تغییر است. ادامه و امتداد یک مبارزه سیاسی و مدنی و یک جنبش اجتماعی و دینامیک و زنده و بیان‌کننده خواست‌های مردم برای رسیدن به آزادی و دموکراسی است».

در این نامه، وی گرچه ماهیت «تغییر» مورد مطالبه جنبش توده‌ها را در ابهام گذارد اما با این گفته که «این جنبش به منزله‌ی بسطی از سیاست‌های ستیزه جو (contentious Politics) متکی بر سیر مبارزات مدنی، جنبش‌های اجتماعی و تلاش خستگی‌ناپذیر مردم برای تحقق جامعه مدنی است»، چندین بار در مورد ماهیت مبارزه مورد نظر خود یعنی «مبارزه مدنی» و ضرورت «حمایت» قدرت‌های جهانی از این نوع از مبارزه سخن گفت و در واقع جای تردیدی در ارتباط با اعتقاد خود به نسخه منسوخ و مردم‌ستیز اصلاح‌طلبان برای شکل و چگونگی مبارزات مردم ایران نگذاشت. نرگس محمدی در بخش «راهبرد تقویت جامعه‌ی مدنی و تضمین حقوق بشر در ایران» و یا «راهبرد شکل‌گیری اراده و انسجام بین‌المللی» موکداً بر روی «مقاومت مداوم و خشونت‌پرهیز» توده‌ها دست گذارد و آن را «بس سترگ» نامید.

وی گفت که مردم ایران از نظر او به این “مبارزه خود” در شکل “اعتراضات خشونت‌پرهیز و مقاومت مدنی” ادامه خواهند داد.

پیام روشن نرگس محمدی در نفی انقلاب و در “ستایش” مبارزه مسالمت‌آمیز و مدنی آن‌هم علیه مشتی از جلدترین دشمنان مردم ایران صد البته به قول خود او به طور “معناداری” در سراسر دنیا پژواک پیدا کرد و در پیام کمیته صلح نوبل نیز انعکاس یافت. در واقع پیام جایز‌مگیرنده، انعکاس سیاست جایز‌دهنده بود.

کمیته صلح نوبل در توجیه تصمیم خویش برای اعطای این جایزه به نرگس محمدی _ آن‌هم در پاسخ به برخی انتقادات مبنی بر این‌که در ایران زندانیان سیاسی گمنام ولی برجسته‌تری بودند که به دلیل مقاومت و مبارزات‌شان برای آزادی مردم ایران سزاوار دریافت این جایزه بودند _ از جمله مطرح نمود “این افتخار چشم‌گیر، شاهدی‌ست ماندگار بر تلاش مدنی و صلح‌آمیز خستگی‌ناپذیر نرگس محمدی در ایجاد تغییر و آزادی برای ایران” (تاکیدات از نویسنده).

هر انسان آزادی‌خواه و اندک آشنا با شرایط جهانی‌ای که جمهوری اسلامی و سرمایه‌داران حاکم برای مردم ایران ایجاد کرده‌اند می‌داند که با توجه به تجربه ۴۵ ساله سرکوب سیستماتیک و عدم وجود کمترین روزنه‌ای برای حتی اشکال مسالمت‌آمیز مبارزه، بلند کردن پرچم “جنبش مدنی” و مسالمت‌آمیز در شرایط ایران هیچ معنی دیگری جز تلاش برای حبس جنبش آزادی‌خواهانه مردم تحت ستم ایران در محاق نظام دیکتاتوری حاکم جمهوری اسلامی ندارد. اعطای این جایزه، در ایران جدا از لجن‌پراکنی‌های معمول جمهوری اسلامی علیه مخالفان حکومت، در میان نیروهای اصلاح‌طلب یک “موفقیت” برای این کمپ قلمداد شد و رسانه‌های گوناگون در مدح این موفقیت و تأثیرات گویا آن‌چنانی اعطای این جایزه برای جنبش “زن، زندگی، آزادی” مورد نظر خود سخن گفتند. این گونه آنها دست‌به‌کار شدند تا بلکه روحی تازه در جنازه پروژه اصلاح‌طلبان ضد مردمی بدمند.

به رغم تلاش‌های این طیف از طرفداران حفظ نظم موجود، اعطای جایزه صلح نوبل به نرگس محمدی در میان آحاد مردم زحمت‌کش و محرومی که کمرشان زیر بار فقر و ظلم و سرکوب وحشیانه طبقه حاکم خم شده و در انتظار هر گونه موقعیتی برای شکار سر این رژیم و واژگونی کل سیستم ظالمانه حاکم هستند، انعکاس چندانی پیدا نکرد و با بی‌اعتنایی آنها روبه‌رو شد که بیانگر آگاهی توده‌های مبارز ایران نسبت به این امر بود. به عنوان مثال در اطلاعیه پر مفهومی که با نام اطلاعیه خانواده نوید افکاری مبارز و فرزند قهرمان مردم ایران منتشر شد از این “سلبریتی‌ها” و “تمایندگان خودخوانده” خواسته شد که از آن‌جا که “رنج” مردم ایران را نمی‌فهمند، “کنار بایستند” چرا که مردم ایران با آنها “هیچ نسبتی ندارند!”

اما اعطای جایزه نوبل به یک فرد اصلاح‌طلب در ایران موجی از واکنش‌های وسیع و خطدار در سطح دنیا از سوی بزرگترین رهبران دولت‌های اعظم سرمایه‌داری از روسای جمهوری آمریکا و فرانسه گرفته تا سایر موسسات و نهادهای بورژوازی در حمایت از نرگس محمدی و اعوان انصار او را به همراه آورد. در یک هم‌زمانی آشکار، این بزرگترین سلب‌کنندگان آزادی و حقوق بشر صدها میلیون تن از کارگران و ستم‌دیدگان سراسر جهان و مشخصاً ایران اعطای این جایزه را یک “پیروزی” برای دموکراسی و صلح و ... در ایران و منطقه و یک حمایت آشکار از جنبش “زن، زندگی، آزادی” خواندند. بایدن رئیس جمهوری که هنوز خون هزاران تن از زنان و کودکان فلسطینی از دستان وی می‌چکد از “ناحق” بودن “دستگیری‌ها، آزار و شکنجه‌های مکرر” نرگس محمدی توسط “رژیم ایران” سخن گفت و اعلام کرد این جایزه “قدردانی” از این موضوع است که حتی با وجود این‌که نرگس محمدی اکنون و به ناحق در زندان اوین محبوس است، هنوز هم جهان “صدای زلال” او را که خواهان آزادی و برابری است را می‌شنود.

در پیام بایدن اضافه شده است که “من از دولت ایران می‌خواهم که فوراً او و دیگر طرفداران برابری جنسیتی را از اسارت آزاد کند.” بایدن تأکید کرد که “جنبش مسالمت‌آمیز مردمی یعنی “زن، زندگی، آزادی” که خواستار احترام به حقوق انسانی آنهاست، امید را برای مردم جهان به ارمغان آورده است.”

به گزارش خبرگزاری فرانسه، امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه هم شجاعت نرگس محمدی را ستود و به او “ادای احترام” کرد و این جایزه را «یک انتخاب درست» خواند و خانم محمدی را یک مبارز راه آزادی نامید. اولاف شولتز صدراعظم آلمان هم در توییته نوشت “نرگس محمدی ۱۳ بار دستگیر و در مجموع به ۳۱ سال زندان محکوم شده. من به برنده جایزه نوبل صلح امسال به خاطر شهامت و مبارزاتش برای حقوق زنان ایرانی ادای احترام می‌کنم.”

رئیس کمیته صلح نوبل “ریت رایس اندرسون” با ستایش از دیدگاه‌های نرگس محمدی از جمله گفت “چیزی که برای من در فهم نرگس از فمینیسم جذابیت دارد این است که انسان مالک بدن خودش است و این چیزی است که برای آزادی اهمیت اساسی دارد.” رئیس این کمیته پس از تأکید بر این که “مالکیت انسان بر بدن خویش” عاملی‌ست که برای “آزادی”، “اهمیت اساسی” دارد. او به ستودن “شکل مبارزه” مورد تأیید نرگس محمدی پرداخت و تأکید کرد “من فکر می‌کنم او با پراهمیت نشان دادن چیزهایی مثل آواز خواندن، ورزش، رقص و حرکات‌های جمعی بر این موضوع تأکید می‌کند.” و اضافه کرد که “نرگس در عین حال از نسلی جدیدتر و جوان‌تر است که در مبارزه راه و روش خاص خودش را دارد و تمرکزش اندکی متفاوت است.”

خلاصه این‌که در تمام پیام‌های رؤسا و دست‌اندرکاران دولت‌های امپریالیستی با کمی تفاوت در لحن و کلمات، یک چیز روشن و مشترک بود. آنها جنبش انقلابی سراسری در ۱۴۰۱ که استخوان‌بندی اصلی آن را کارگران و زحمت‌کشان و جوانان و بیکاران و خلق‌های تحت ستم و تشنه‌ی نان و کار و مسکن و آزادی تشکیل می‌دادند، جنبشی که به رغم حضور وسیع نیروهای سرکوب در مقابل خود و همه وحشی‌گری‌های بی‌حد و حصر این نیروها و کشتارهای خونین آنان، با شعارهای رادیکال و اعمال رادیکال‌ترش برای یک انقلاب اجتماعی علیه استثمارگران و رسیدن به آزادی و از جمله آزادی زنان به‌پا خاسته بود، جنبشی که بیانگر تلاش طبقات استثمار شده برای نابود کردن قهری سلطه طبقه سرمایه‌داران حاکم و اربابان و حامیان جهانی‌اش بود، در این پیام‌ها بار دیگر به “جنبشی فمینیستی”، جنبش “مالکیت بر بدن خویش”، “رقص و آواز و ورزش” و ... تحت عنوان “جنبش زن زندگی آزادی”، محدود شد.

در سطح مخالفین وطنی نیز بخش بزرگی از نیروها و افراد اپوزیسیون از مجاهدین و سلطنت‌طلبان گرفته تا حتی نیروهای مدعی جریان چپ و طرفدار براندازی جمهوری اسلامی با مشاهده قدرت و اهداف سیاسی که در پشت اعطای این جایزه قرار گرفت، به انحاء و درجاتی برای آن هورا کشیده و اعطای این جایزه را با زبان‌های مختلف یک “پیروزی” برای مردم ایران جا زدند.

اما آیا به واقع در شرایط کنونی جنبش مقاومت مردم ما اعطای جایزه نوبل به مخالفان جمهوری اسلامی در طیف اصلاح‌طلب و پروژه اصلاح‌طلبی، یک پیروزی برای مردم ایران در پیکار دیرین دمکراتیک‌شان به منظور سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و امحای نظام سرمایه‌داری حاکم (تنها تضمین و شانس برقراری یک نظام مبتنی بر وسیع‌ترین دمکراسی واقعی و آزادی مردم ایران) می‌باشد؟ یا بر عکس اعطای این جایزه توسط کمیته‌ای که مشتی از جلادترین تبهکاران تاریخ نظیر اوباما و شیمون پرز و ... سبیل‌های “صلح” آن هستند، تلاشی برای به جلوی صحنه کشیدن تمام نیروهایی‌ست که می‌کوشند زیر نام “مبارزه مدنی”، “خسونت‌پرهیز” و ... در چارچوب این نظام، جلوی خواست و رشد یک انقلاب اجتماعی _ یعنی خواست قلبی اکثریت مطلق جامعه تحت سلطه ماست _ را بگیرند؟

نگاهی به شرایط بحرانی جامعه تحت سلطه ما پس از یک قیام خونین و سراسری نشان می‌دهد که رشد روزمره زمینه‌های شورش مجدد محرومان و گرسنگان نظیر فقر و گرسنگی، کارتن‌خوابی، بیکاری و گرانی و تورم و تشدید سرکوب و شکنجه و اعدام که اکنون به برکت حاکمیت نظام سرمایه‌داری اکثریت آحاد جامعه با آنها روبه‌رو می‌باشند، چشم‌انداز وقوع یک انقلاب اجتماعی علیه کلیت این نظام استثمارگر و مستبد را تهدید می‌کند. حتی طبقه حاکم یعنی سرمایه‌داران وابسته و امپریالیست‌های حامی آنها نیز به خوبی آن این واقعیت را درک کرده و همانند ۴۵ سال گذشته یک لحظه از چاره‌جویی به منظور مقابله و جلوگیری از انقلاب توده‌ها غافل نشده‌اند.

در شرایطی که خون‌های ریخته شده کارگران و زحمت‌کشان، زنان، جوانان و خلق‌های ستم‌دیده و به‌پاخاسته در جریان قیام ۱۴۰۱ بر سنگ‌فرش‌های بیش از ۲۰۰ شهر ایران هنوز خشک نشده‌اند، در شرایطی که خواست نابودی این رژیم و تمامی دارودسته‌های موسوم به اصلاح‌طلب و محافظه‌کار و گذار از این رژیم و ... به پایه‌ای‌ترین و نخستین هدف بی‌چون و چرای توده‌های تحت ستم بدل گشته و در شرایطی که گفتمان انقلاب، گفتمان مبارزه قهرآمیز و مسلحانه به عنوان راه‌هایی طبقات تحت ستم برای رسیدن به آزادی بیش از هر زمان دیگری در ۴۵ سال گذشته زمینه مادی یافته و در پراتیک توده‌ها منعکس شده است، امپریالیست‌ها و سرمایه‌داران وابسته حاکم نیز با درک خطر رشد چنین شرایط بحرانی‌ای به تلاش‌های ضد انقلابی خود برای حفظ وضع موجود افزوده‌اند.

علاوه بر تشدید کمک‌های مستقیم مالی، مادی و معنوی از سوی امپریالیست‌ها برای حفظ رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی، تلاش این قدرت‌ها به منظور نفوذ در صفوف توده‌های معترض با نمایش دروغین حمایت از جنبش آزادی‌خواهانه توده‌ها _ از ترتیب مراسم “گیس بُران” گرفته تا پروژه‌های رسوای رهبرسازی و یا جعل نام جنبش انقلابی مردم ایران به جنبش “زن، زندگی، آزادی” _ همه و همه بخش‌های به هم پیوسته‌ای از این سیاست ضد انقلابی امپریالیست‌ها و نوکران رنگارنگ‌شان در ایران برای جلوگیری از رشد و تکوین انقلاب توده‌ها علیه نظام موجود را به نمایش می‌گذارد.

کسانی که از حداقل حافظه تاریخی‌ای برخوردارند از یاد نبرده‌اند که در راستای سیاست انحراف مسیر جنبش انقلابی ایران، ۲۰ سال پیش نیز موسسه صلح نوبل که یک نهاد سیاسی و از ماشین‌های جاده‌صاف‌کن فرهنگی شناخته شده سرمایه‌داران جهانی‌ست، جایزه صلح نوبل سال ۱۳۸۲ خود را به شیرین عبادی یکی از زنان اصلاح‌طلب معروف آن دوره در ایران اختصاص داد و اعلام نمود که دلیل اعطای این جایزه به شیرین عبادی این است که وی “یک مسلمان آگاه است” که در “عصر خشونت همواره از روش‌های مسالمت‌آمیز دفاع کرده” و او “هیچ تضادی بین اسلام و حقوق اساسی بشر نمی‌بیند”. امروز نیز گردانندگان کمیته نوبل با اعطای این جایزه به نرگس محمدی و اعلام پشتیبانی سیاسی آشکار از مواضع و موقعیت مدافعان پروژه فریبکارانه و ورشکسته اصلاحات که خود را مخالف جمهوری اسلامی می‌خوانند، تلاش خود برای حفظ نظام سرمایه‌داری حاکم بر ایران را به نمایش گذاردند. آنها و به طور کلی نیروهای امپریالیستی از حاکمیت یکی از جلدترین رژیم‌های دیکتاتوری در خاورمیانه یعنی جمهوری اسلامی دفاع نموده و به این ترتیب به رغم تمام ادعاهای “دمکراسی‌طلبی” خود ماهیت مردم‌ستیز خویش را در مقابل کارگران و زحمت‌کشان ایران که درگیر مبارزه‌ای قهرآمیز و خونین برای سرنگونی این رژیم ضد مردمی و وابسته بوده و فریادهای “اصلاح‌طلب، اصول‌گرا دیگه تمومه ماجرا”ی آنها سال‌هاست که سرتاسر این سرزمین را درنوردیده است، آشکار نمودند. این جایزه، نه موفقیتی برای جنبش انقلابی توده‌های تحت ستم برای “نان، کار، مسکن و آزادی” بلکه جایزه‌ای به نیروهایی‌ست که با شعارهای عقیم، محدود و فریبکارانه در مقابل تحقق خواست توده‌ها و ضرورت یک انقلاب اجتماعی یعنی برای دگرگونی کامل اقتصادی و اجتماعی موجود سد ایجاد می‌کنند.

جایزه اعطا شده به نرگس محمدی جایزه برای تشویق نیروهاییست که در جامعه ما، به نام مردم، اما علیه آنها چشم به حمایت و کرامات دشمنان اصلی توده‌ها یعنی امپریالیست‌ها دوخته‌اند تا برای‌شان همچون نمونه‌های دیگر منطقه مثل عراق و افغانستان “دمکراسی و حقوق بشر” و “سکولاریسم” و “پارلمان” بیاورند. این جایزه، تلاش برای دمیدن روحی تازه در جنازه اصلاح‌طلبان و انواع و اقسام مدل‌های ضد انقلابی این طیف بود که ۲۴ ساعته به اشکال مختلف ایده‌های فریبکارانه آنها مبنی بر “رفراندوم” در چارچوب همین نظام، “گذار مسالمت‌آمیز” از جمهوری اسلامی و رسیدن به آزادی واقعی با “مبارزات مدنی” و غیر قهرآمیز و ... توسط رسانه‌های رسمی در جامعه پمپاژ می‌شود؛ و نهایتاً این جایزه، یک پیام دیگر به طبقه حاکم و کلیت رژیم جمهوری اسلامی بود که با تبلیغ مبارزه مدنی و خشونت‌پرهیز در میان توده‌ها از طریق واسطه‌هایی نظیر نرگس محمدی و کمپ وی، حاکمان همچنان می‌توانند به قتل و جلادی توده‌ها با قاطع‌ترین روش‌های خشونت‌آمیز ادامه دهند در حالی که اپوزیسیون آنها اطمینان می‌دهند که در مبارزه با رژیم از چارچوب مدنی و مسالمت‌آمیز فراتر نخواهند رفت.

تلاش برای پیشبرد خطوط فوق در تمام طول مدت برگزاری مراسم صلح نوبل از سوی بازیگران مختلف از جایزه دهنده و جایزه‌گیرنده گرفته تا همراهان آنها در پارلمان نروژ، سالن شهرداری، صحن دانشگاه و در جریان فروم‌ها و مصاحبه‌ها و میزگردها تکرار و تکرار شد.

اما تا آن‌جا که به کارگران و زحمت‌کشان آگاه، زنان و مردان جوان مبارزی که در “میدان رقص گلوله و باتوم” چشم‌ها نهادند و حتی چشمان خود را از دست داده و قهرمانی‌ها کردند، مبارزینی که در زاهدان و سندهج، در کرج و تهران و رشت و مشهد و تبریز و ... فریاد “نان، کار، آزادی” و “مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه چه رهبر”، “می‌کشم می‌کشم هر آن‌که خواهرم (برادرم) کشت” و “وای به روزی که مسلح شویم” و ... سردادند باز می‌گردد، این تلاش‌های پر هزینه و فاخر ولی ضد مردمی و ضد انقلابی قادر نیست سد راه آنها برای دستیابی به خواسته‌های بر حق و انقلابی خود گردد. این امر در تشریح گوشه‌ای از واقعیت موجود جامعه ما در اطلاعیه خانواده نوید افکاری دلاور خطاب به کاروان “سلبریتی‌های سیاسی و سینمایی” جایزه صلح نوبل منعکس شده است. در این اطلاعیه خطاب به آنها گفته شده “کنار بایستید! ایرانی که ما در آن زندگی می‌کنیم سال‌هاست در حال احتضار است و شما اصرار دارید این تقریباً جنازه را با اطوار و اصلاح زنده کنید؛ و ما، مایی که به ناممان میکروفون برداشته‌اید و به کام خودتان در آن چهچه می‌زنید، به تکتک شما هشدار می‌دهیم که از سر راه ما کنار بروید. دشمن ما جمهوری اسلامی است و برای نابودی‌اش هر که را مانع‌مان شود نابود می‌کنیم؛ با هیچ احدی هم شوخی و تعارف نداریم. ما از شما، اصلاحات و نمایندگان با خون عزیزان‌مان گذر کرده‌ایم. انگشت در زخم‌های ما نچرخانید. ما با شما هیچ نسبتی نداریم!”